

Analysis of the personality of Imam Ali (AS) in the poetry of the Safavid period based on the theory of Philip Hamoun

Fatemeh Taslim Jahromi*

Abstract

During the Safavid period, ritual poetry became very popular, especially with the subject of Imam Ali (AS). Philip Hamoun, a contemporary French theorist and semiotician, is one of the most influential figures in the field of personality semiotics. In his theory, characters are processed based on four principles in terms of types of signifiers and meanings, and descriptive levels of character. According to Hamoun's semiotic model, the personality of Imam Ali (AS) is one of the religious reference personalities. In the axis of Imam Ali (AS) as a signifier, poetries in the Safavid era, have mentioned his name, his ancestry and the characteristics of his birth in the Kaaba. In the axis of the meaning of Imam's personality, some of the moral features of the Imam such as his courage, science and knowledge, generosity, religiosity, eloquence and justice have been discussed.

In the axis of levels of analysis of the Imam's personality, some Shiite beliefs such as: intercession, Imamate and guardianship, Tula and Tabra, attention to verses and hadiths and glorification of pilgrims and their holy shrine have been among the main features that poets of this period have taken into consideration.

The analysis of the personality of Imam Ali (AS) in the poetry of the Safavid era portrays the prominent position of Imam Ali (AS) in Islam and the manifestation of his attributes and virtues can be a motive to prove his true legitimacy in the Imamate

* PhD in Persian Language and Literature, Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Jahrom University, Jahrom, ftaslim@yahoo.com

Date received: 17/04/2020, Date of acceptance: 25/12/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

and succession to the Prophet. Also the poems introduce the Imam as a religious truth and an example of a perfect human being. Based on the theories of Philip Hamoun, this article, in a descriptive-analytical manner, has analyzed the image and biography of Imam Ali (AS) in the Alawite praises during the Safavid period.

Keywords: Safavid Poetry, Alavi Eulogy, Imam Ali, Philip Hamoun.



واکاوی شخصیت امام علی (ع) در شعر دوره صفوی براساس نظریه فیلیپ هامون

فاطمه تسلیم جهرمی*

چکیده

در دوره صفوی شعر آیینی به ویژه رواج بسیاری یافت و توجه به شخصیت والای امام علی (ع) منجر به آفرینش اشعار علوی متعددی شد. فیلیپ هامون، یکی از کسانی است که در حوزه نشانه‌شناسی شخصیت، آرای وی جامع نظرات نشانه‌شناسان پیشین است. در نظریه وی شخصیت‌ها بر اساس چهار اصل از نظر انواع، دال و مدلول، سطوح توصیف شخصیت پردازش می‌شوند. طبق الگوی نشانه‌شناسی هامون، شخصیت امام علی (ع) جزء شخصیت‌های مرجعی مذهبی و دینی به شمار می‌آید. در محور امام علی (ع) به عنوان دال، در شعر دوره صفویه به ذکر نام و نسب و ویژگی ولادت وی در کعبه پرداخته می‌شود. در محور مدلول بودن شخصیت امام بیشتر برخی ویژگی‌های اخلاقی امام چون شجاعت، علم و دانش، بخشنده‌گی، دینداری، سخنوری و عدالت پرداخته شده است. در محور سطوح تحلیل شخصیت امام علی (ع)، برخی معتقدات شیعه چون: شفاعت، امامت و ولایت، تولا و تبرا، توجه به آیات و روایات و تجلیل زائران و حرم ایشان از محورهایی بوده که شاعران این دوره به آن نظر داشته‌اند. تحلیل شخصیت امام علی (ع) در شعر دوره صفوی بیان‌گر جایگاه برجسته امام علی (ع) در اسلام و بیان اوصاف و فضایل آن حضرت است و می‌تواند دلیلی برای اثبات حقانیت وی در امامت و جانشینی رسول خدا (ص) باشد. هم‌چنین در اشعار ایشان امام به عنوان حقیقت دینی و نمونه انسان کامل معرفی شده است.

* دکترای زبان و ادبیات فارسی، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی،

دانشگاه جهرم، جهرم، ftaslim@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۴



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

این مقاله، به صورت توصیفی-تحلیلی، سیما و سیره امام علی(ع) را در مدایح علوی دوره صفوی بر اساس نظریات فیلیپ هامون واکاوی کرده است.

کلیدواژه‌ها: مدایح علوی، دوره صفوی، امام علی(ع)، فیلیپ هامون.

۱. مقدمه

در دوره صفویه برای نخستین بار تشیع مذهب رسمی ایران شد و در شعر و ادبیات این دوره بازتاب‌های وسیعی یافت و منجر به رشد فزاینده شعر مذهبی و آیینی شد. در آن روزگار، کوی و برزن شاهد گذر مکرر دسته‌های موسوم به تولایی و تبرایی بود که پیشه‌شان، خواندن اشعاری در تولای اهل بیت و تبراً از دشمنان این خاندان بود. در پس این دسته‌های پرتعداد تولایی و تبرایی، عده بی‌شماری از شعرای شیعه بودند که اشعار این دسته‌ها را می‌سرودند. صفویان، همچنین شاعران را به سرودن اشعار مذهبی فراخواندند و صلوات گران به چنین اشعاری دادند. مثلاً بنا به رسم خوانش اشعار در دربار و برای نشان دادن شکوه و جلال دربار، شاهان صفوی هنگامی که سفرای ازبک و عثمانی را به حضور می‌پذیرفتند، فرصتی کافی نیز به شعرا می‌دادند تا در برابر این سفرا لب به مدایح شیعی و علوی بکشایند. در چنین مجلسی بود که شانی‌تکلو، شاعر قرن یازدهم، شعری در مدح امیرمؤمنان(ع) خواند و چون به این بیت رسید:

اگر دشمن کُشد ساغر و گر دوست به طاق ابروی مردانه اوست

«شاه امر فرمود که زر بسیار در یک کفه ترازو ریخته و در کفه دیگر مولانا را به وزن درآورده آن نقود را به صله این شعر به او عطا فرمود» (نصرآبادی، ۱۳۷۹: ۹) و (الذریعه، ۱۳۱۳: ج ۴/ ۴۹۴). به این ترتیب شعر دوره صفویه که جایگاه جلوه‌های انبوه عشق و ارادت شاعران در مدح، منقبت حضرت امام علی(ع) است و بیش از سایر ائمه، به مدح امام علی(ع) به عنوان نماد تشیع در مقابل اهل تسنن توجه شده است.

در این دوره مناقب‌سرایان و شاعران بسیاری وجود دارند که در اشعارشان مدایح علوی به چشم می‌خورد که از برجسته‌ترین آنها می‌توان به: صائب تبریزی، محتشم کاشانی، بیدل، باباغانی شیرازی، وحشی بافقی، فیض کاشانی، واعظ‌زوینی، کلیم کاشانی، عرفی شیرازی، اهلی شیرازی، شیخ بهایی و... اشاره کرد.

واکاوی شخصیت امام علی(ع) در شعر دوره صفوی ... (فاطمه تسلیم جهرمی) ۵

مدایح علوی غالباً در قالب قصیده و ترکیب‌بند سروده شده است و فخامت و جزالت و لحنی حماسی دارد. شعر علوی در ادب پارسی بسان هر پدیده انسانی دیگر، تابعی از اوضاع جامعه و تحولات آن در گذر تاریخ است؛ از این رو شایسته است که برای شناخت شعر علوی در ادب پارسی، سیر تحولات آن را در تاریخ ادبیات بررسی کرد.

نمونه‌های والای اخلاق فردی و اجتماعی حضرت علی(ع) از جنبه‌های مختلف، در ادبیات بازتاب گسترده‌ای یافته است، و در دوره صفوی جنبه‌های مختلفی می‌یابد. توجه به این نکته ضروری است که شاعران این دوره در درجه نخست شاعرند و بیشتر از تبلیغ، تحت تأثیر ذات شاعرانه خود قرار دارند. بسیاری از این حسن‌تعبیر حاصل خلوص نیت گویندگان است، اما گاهی عدم بینش صحیح و عمیق آنان نسبت به درک موازین شیعه به دلیل نوپا بودن این مذهب در برخی نقاط سنی‌نشین و گستردگی قلمرو صفویه، آشکار است و روی هم رفته فقر اطلاعاتی درباره مذهب شیعه در آغاز سرایش اشعار و مدایح آیینی وجود دارد(رک: طغیانی، ۱۳۸۵: ۱۸۸).

درباره کاربرد نشانه‌شناسی برای شناخت شخصیت، نخستین تلاش‌ها در آثار صورت‌گرایان و ساخت‌گرایانی چون پراپ دیده می‌شود و بعدها فیلیپ هامون نشانه‌شناس فرانسوی آن را بر اساس انواع شخصیت‌ها در چهار اصل تاریخی، اسطوره‌ای، مجازی و اجتماعی، دال، مدلول و توصیف سطوح شخصیت به طور مفصل تحلیل کرد. از آن‌جا که امام علی(ع) از شخصیت‌های تاریخی و دینی به شمار می‌آید، مدایح علوی دوره صفوی نیز مصداق مناسبی برای این نگرش است.

۲. پیشینه و ضرورت تحقیق

پیشینه تحقیق درباره مدایح علوی در شعر فارسی و عربی گسترده است و اغلب کتاب‌ها چون: مناقب علوی در شعر فارسی (۱۳۶۵) از احمد احمدی بیرجندی، آینه آفتاب (۱۳۶۹) به کوشش محمود شاهرخی و مشفق کاشانی؛ مناقب علوی در شعر فارسی (۱۳۸۱) از ابوالقاسم رادفر و دیگران، به جمع‌آوری یا گزیده مناقب علوی در شعر فارسی پرداخته‌اند.

از جمله پژوهش‌های منتشر شده فارسی که به نحوی اشعاری مرتبط به امام علی(ع) را تحلیل یا به طرق مختلف مباحث ادبی مربوط به آن امام همام را واکاوی کرده‌اند می‌توان به: «گونه‌شناسی اوصاف امام علی(ع) در شعر فارسی» (۱۳۷۹) از محمدرضا صرفی،

«مناقب علوی در مثنوی مولوی» (۱۳۸۳) نوشته محمدحسن فؤادیان و کتاب‌های: در بارگاه آفتاب (۱۳۸۰) از علیرضا میرزامحمد و پژوهشی تفکر شیعه در شعر دوره صفویه (۱۳۸۵) از اسحاق طغیانی اشاره کرد.

هم‌چنین رضایی و هاتقی نیز در مقاله‌ای با عنوان «سیما و سیره حضرت علی و اهل‌بیت (ع) در تذکره‌الاولیای عطار نیشابوری» (۱۳۹۷) از الگوبرداری متصوفه از چهره اهل‌بیت و مهرآوران و شاه‌بلاغی نیز در مقاله‌ای با عنوان «آموزه‌های علوی در دوره نخست شعر فارسی» (۱۳۹۷) از تأثیر سخنان حکیمانه امام علی (ع) یا تشابه آن‌ها در سروده‌های قرن سوم، سخن گفته‌اند. اسداللهی و فتحی نیز در مقاله‌ای با عنوان «بینامتنیت در سیمای علی (ع) در شعر سنایی و ناصرخسرو (۱۴۰۰) به این نتیجه رسیده‌اند که اشعار سنایی و ناصرخسرو در موضوعات گوناگون، ارتباط خاص و معناداری دارند. اما درباره تحلیل شخصیت امام علی (ع) در مدایح علوی دوره صفوی بر اساس الگوی فیلیپ هامون، این نخستین پژوهشی است که به صورت توصیفی-تحلیلی انجام شده است. گفتنی است که با توجه به تعدد این اشعار، منظومه‌های داستانی درباره امام علی (ع) در دوره صفوی در دایره این تحقیق قرار ندارد.

برای رویکرد نشانه‌شناسی فیلیپ هامون نیز از مقاله وی با عنوان «نشانه‌شناسی شخصیت‌های داستانی» (۱۹۷۲) استفاده شده است. از این الگو، بیگزاده و دیگران در مقاله «بررسی شخصیت امام علی (ع) در خاوران‌نامه» (۱۳۹۸) استفاده کرده‌اند.

۳. بحث

۱.۳ شخصیت از دیدگاه فیلیپ هامون

هامون، شخصیت را به عنوان عنصری نشانه‌ای در نظر می‌گیرد که از دال و مدلول تشکیل شده و به این طریق مبانی نشانه‌شناسی شخصیت را گسترش می‌دهد. از نظر وی «شخصیت مجموعه‌ای هماهنگ از نظام‌های برنامه‌ریزی شده است که پی‌بردن به هویت او در گرو خوانش متن است» (هامون، ۱۹۹۰: ۲).

وی شخصیت را نشانه‌ای می‌داند که از دال شامل: نام، جایگاه نحوی و بُعد بلاغی و مدلول صفات، کنش گفتاری و کنش رفتاری تشکیل می‌شود. به طور کلی با بررسی

واکاوی شخصیت امام علی(ع) در شعر دوره صفوی ... (فاطمه تسلیم جهرمی) ۷

نشانه‌شناسی شخصیت با تکیه بر ویژگی‌ها و صفات، به لایه‌های عمیق درونی شخص می‌توان پی برد و این مجموعه رفتارها را الگوی خویش قرار داد. اصول هامون را شکل زیر می‌توان تشریح کرد:

۱. انواع شخصیت

در اصول نظریه هامون، انواع شخصیت‌ها به این صورت طبقه‌بندی می‌شوند:

۱. شخصیت‌های مرجعی شامل اشخاص تاریخی، اسطوره‌ای، مجازی و اجتماعی.

۲. شخصیت‌های واسطه یا اشاره‌گر که نشانگر حضور نویسنده یا خواننده‌اند.

۳. شخصیت‌های به یادآورنده.

۲. سطوح وصف شخصیت

در سطوح وصف شخصیت به ابعاد ظاهری، روانی و اجتماعی شخص از طریق ساختار بازیگران و ساختار عوامل توجه می‌شود. در ساختار بازیگران صفات بارز و خاص و ... به استخراج و کشف محورهای دلالتی می‌انجامد و در سطح عوامل نیز الگوی کنشی تحلیل می‌شود و اشخاص بر اساس جایگاه کنشی که در متن دارند، تقسیم می‌شوند.

۳. شخصیت به مثابه مدلول

هامون شخصیت را مدلول ناپایداری می‌داند که قابل تحلیل و توصیف است و این مدلول، عبارت است از جملات و عباراتی که شخصیت بر زبان می‌آورد یا عباراتی که از زبان دیگر شخصیت‌ها درباره آن شخصیت گفته می‌شود (هامون، ۱۹۹۰: ۲۸). در این راه وی به دو معیار کمی و کیفی توجه می‌کند. در معیار کمی وی به اطلاعاتی که پی در پی و واضح درباره شخصیت داده می‌شود، و در معیار کیفی به اینکه اطلاعات به دست آمده درباره شخصیت به صورت مستقیم یعنی توسط خود شخصیت یا غیرمستقیم یعنی از طرف سایر شخصیت‌ها و راوی ارائه شده، توجه می‌کند.

۴. شخصیت به عنوان دال

هامون با اسم‌ها و صفات شخصیت، سطح دلالتی شخصیت معرفی می‌کند (نک: حمدانی، ۲۰۱۵: ۵۱). وی می‌گوید دال اصلی در شخصیت، اسم خاص یا علم است؛ زیرا این اسم ویژگی‌ها و پایه‌های دلالتی و نشانه‌ای شخصیت را آشکار می‌کند. وی شخصیت دال علاوه بر اسم علم از راه ضمیر و تأکید بر بُعد بلاغی آن نیز تحلیل می‌کند.

ضمایر در تکوین و تشکیل شخصیت داستان، نقشی ضعیف‌تر از اسم خاص را ایفا می‌کنند؛ چرا که اسم خاص، باعث تمایز روشن شخصیت‌ها از یکدیگر در داستان می‌شود. در بُعد بلاغی نیز، اسامی خاص به منظور اشاره، رمز و هنجارشکنی به کار می‌روند و از ابعادی مجازی، استعاری و کنایی که خود بر پایه مجاز، استعاره، کنایه، رمز و... شکل گرفته، برخوردار می‌شوند (رک: حمداوی، ۲۰۱۵: ۵۵-۵۹).

۴. واکاوی شخصیت امام علی(ع) در شعر دوره صفوی برمبنای الگوی

فیلیپ هامون

۱.۴ شخصیت امام علی(ع) به مثابه مدلول در شعر دوره صفوی

۱.۱.۴ صفات

صفات به کار رفته برای امام علی(ع) در شعر دوره صفوی یا دلالت بر قدرت جسمانی و جنگاوری آن حضرت دارند یا خصوصیات اخلاقی او را نشان می‌دهند. در بین این‌ها، بیان صفات با کارکردهای اخلاقی امام بسامد بیشتری دارد.

۱.۱.۱.۴ سخاوت و بخشش

سخاوت از فضایل حضرت علی(ع) است که در شعر دوره صفوی نیز بازتاب یافته و القابی چون: ابوالیتامی و المساکین، امیرالبرره، مُنْفِق، سید البرره، قائد البرره، كَنَفُ الْفُقَرَاء و باب الحطه، بیانگر گشاده‌دستی و بخشایش آن مولای متقیان است. امام علی(ع) در خطبه ۱۳۹ نهج‌البلاغه به ویژگی بخشش خود اشاره می‌کند و می‌گوید: «هیچ کس پیش از من به پذیرفتن دعوت حق نشتافت و چون من توفیق صلۀ رحم و افزودن در بخشش و کرم نیافت» (۱۳۷۹: ۱۳۹).

هم‌چنین شأن نزول آیاتی چون آیه ۱۱ سوره مائده که مربوط به صدقه‌دادن انگشتر به‌هنگام رکوع و آیاتی از سوره انسان مشخص می‌کند که در میان صحابه، کسی بخشنده‌تر و سخاوتمندتر از امام علی(ع) نبوده است. شاعران دوره صفوی نیز به این روایات مربوط به امام علی(ع) توجه داشته‌اند:

در رکوع انگشتری‌دادن به سائل گشته است مهر منشور سخایت یا امیرالمؤمنین

واکاوی شخصیت امام علی(ع) در شعر دوره صفوی ... (فاطمه تسلیم جهرمی) ۹

(محتشم کاشانی، ۱۳۸۹: ۴۰۱)

نازل شدن سوره انسان در شأن اهل بیت(ع) و واقعه انفاق سه روزه آنان به اسیر و یتیم و فقیر، نیز یکی از حوادث مهم تاریخی بوده است که توجه شاعران را به خود جلب کرده است و از عطار و سنایی گرفته تا شاعران دوره صفوی چون لامع قهستانی (احمدی بیرجندی، ۱۳۷۹: ۵۴) درباره آن داد سخن داده‌اند.

گو اینکه وجود مبارک حضرت علی(ع) نیز خود برترین عطیه الهی است. شاعران دوره صفوی نیز با توجه به شأن نزول آیاتی از سوره انسان، آفرینش هستی را نتیجه جود آن حضرت دانسته‌اند:

از ابر دست حیدر کرآر قطره‌هاست آن دانه‌ها که حاصل این بحر اخضرست

(فغانی، ۱۳۵۳: ۲۱)

۲.۱.۱.۴ سخن‌گویی و فصاحت کلام

یکی دیگر از اوصاف شخصیتی امام علی(ع) فصاحت کلام است و چنانکه شارح نهج البلاغه می‌گوید کلام وی فوق کلام مخلوق و تحت کلام خالق و رسول خداست و همه فصحا و بلغا در برابر عظمت کلامش و ابعاد گسترده‌اش اظهار عجز کرده‌اند: «اما الفصاحه، فهو امام الفصحاء و سیدالبلغاء و عن کلامه قیل دون کلام الخالق و فوق کلام المخلوقین» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۲۵: ج ۴۸/۱۱).

شاعران دوره صفوی نیز به این ویژگی امام در مدایح و مناقب خود توجه داشته‌اند:

آن مسیحا عبارتی که ز نطق مرده را روح در بر اندازد

(حزین لاهیجی، ۱۳۵۰: ۱۴۱)

۳.۱.۱.۴ عدالت و جوان‌مردی

حضرت علی(ع) نماد عدالت است و وقتی نام عدالت برده شود نخستین نمونه و الگوی آن، که بلافاصله به ذهن بسیاری از دوست و دشمن تداعی می‌شود، نام علی(ع) است.

امام علی (ع) چنان بر عدالت پای می‌فشرد که با دیدن صحنه تلخ و دردآلود فقر و فلاکت برادرش عقیل و فرزندان پریشان‌حال او، بر عواطفش پای گذاشت و با داغ‌کردن و نزدیک‌کردن آهن سرخ‌شده و برخاستن ناله عقیل، به او نهیب زد که علی (ع) طاقت آتش سوزان عذاب الهی را ندارد (۱۳۷۹: ۲۷۲).

با وجود آنکه عدالت علی (ع) برجسته‌ترین ویژگی آن حضرت است و نقش‌های فوق‌العاده اجتماعی دارد، در شعر صفویه به آن توجه و تأکید بسیاری نشده است. در واقع سخن گفتن از عدالت علی (ع) کاربردی جز آفرینش مضامین خیال‌انگیز ندارد و سخن گفتن از عدل از وی آگاهی‌بخش نیست و تعارضی با بی‌عدالتی شاهان و حکومت صفویه نیز ندارد. دلیل اصلی این امر در حقیقت آن است که خلفای اموی و عباسی و حاکمان و پادشاهان ستمگر ایران با عملکرد خود عملاً جایی برای فهم معنا و ارزش عدالت باقی نگذاشتند و ملت ایران و شاعران نیز به دلیل فقدان تجربه زیسته از عدالت، زیستن در محیط خالی از عدل را طبیعی می‌دانستند. با این احوال در شعر دوره صفویه هر جا در اشعار به عدل امام علی (ع) اشاره شده بیشتر شبیه مدح معمول برای شاهان است تا توجه به ویژگی‌های شخصیتی و سیره امام علی (ع):

چو عدل او کند امداد عاجزان، شاید که پوستین ز تن شیر نر کند روباه

(طالب‌آملی، ۱۳۴۶: ۹۴)

۴.۱.۱.۴ شجاعت

از خصوصیات و ویژگی‌های بارز امام علی (ع) شجاعت و دلاوری ایشان است. چون به زندگی امام علی (ع) بنگریم، درمی‌یابیم که وی از بیست‌سالگی یا اندکی بیشتر در جنگ‌های مختلف مسلمانان حضور داشت و خود در خطبه معروف به قاصعه نیز می‌فرماید: «من در نوجوانی و خردی، بزرگان عرب را پست کرده و به خاک درانداختم و شاخ‌های برون‌آمده و سرکردگان مخالف و شورشی دو قبیله ربیعیه و مضر را شکستم» (۱۳۷۹: ۲۳۳). در جنگ خیبر امام علی (ع) با شجاعت و نیروی خود در قلعه خیبر را از جنس سنگ و طول آن چهار ذرع و پهنای آن دو ذرع بوده است، از جا درآورد (حلبی، ۱۴۴۲: ج ۵۴/۳).

شجاعت از دوران نوجوانی و با شکست پهلوانان نامداری چون: عمرو بن عبدوود، مرحب خیبری، عتره و... جنگاوری ایشان را زبازد شاعران و ادیبان و فصیحان عرب کرد.

واکاوی شخصیت امام علی(ع) در شعر دوره صفوی ... (فاطمه تسلیم جهرمی) ۱۱

القاب و صفاتی چون حیدر، کرار، صفدر، ضرغام، اسدالله الغالب، سیف‌الله، سیف‌الرسول، قاتل الفجره، مُبید الشکر، ابوالقاصم، امیر الجیوش و... نیز به لحاظ شجاعت، پهلوانی و جنگ‌آوری که به امیرالمؤمنین داده شده است در شعر دوره صفوی نیز بازتاب دارد.

شاعران دوره صفوی نیز امام علی(ع) را مجاهدی می‌دانند که با داشتن شرایط جهاد چون از خودگذشتگی و ایثار، قدرت جسمی و روحی شایستگی سرپرستی دین اسلام دین اسلام را پس از نبی مکرم اسلام یافت، با شمشیر ذوالفقار که از بهشت فرستاده شده بود، با کفار و مخالفان اسلام جنگید و با شجاعت و جنگاوری خود چاه نفاق را پُر و چشم فتنه را کور کرد و مسلمانان را متحد ساخت به گونه‌ای که فرشته رسول در وصف او از طرق حق گفت: «لا فتی الا علی، لاسیف الا ذوالفقار» (مفید، ۱۳۷۶: ج ۶۸/۱)

شاعران این دوره همچنین برای بیان شجاعت بی‌مانند امام به حدیث لافتی که جبرئیل در جنگ احد به دلیل جنگاوری و جوانمردی امام علی(ع) بر زبان آورد، بسیار بهره برده‌اند:

«لا فتی الا علی» گویند اهل کارزار ساکنان آسمان «لاسیف الا ذوالفقار»

(محتشم‌کاشانی، ۱۳۸۹: ۳۹۸)

از جمله اوصافی که برای بیان شجاعت آن حضرت مورد تأکید شاعران قرار گرفته است، صفت شیر خدا است که به علت کثرت استعمال، کنایه از ذات شده است و به محض شنیده شدن، تنها حضرت علی(ع) به عنوان مصداق آن در ذهن خواننده شکل می‌گیرد. شاعران تعبیر شیر خدا را به گونه‌های شیر حق، شیر یزدان، شیر ربانی، شیرمرد عالم، اسدالله و مطلق شیر استفاده کرده‌اند:

حیدر صفدر که در رزم از تن شیر فلک جان برآرد چون برآرد تیغ خونریز از نیام

قاتل عتتر که بر یکران چو می‌گردد سوار می‌فرستد خصم را سوی عدم در نیم گام

(محتشم‌کاشانی ۱۳۸۹: ۲۴۷-۲۴۳)

به این ترتیب است که شاعران دوره صفوی نتیجه شجاعت آن حضرت را پیروزی و تقویت اسلام شمرده‌اند. همچنین مهم‌ترین مصداق‌های شجاعت حضرت علی(ع) را در فتح قلعه خیبر، جنگ خندق، جنگ با پهلوانان کفار و یهودی و شکست دادن آن‌ها، خوابیدن در بستر پیامبر در شب هجرت و زره بدون پشت ایشان دانسته‌اند:

زور سر پنجه دلالت او رعشه در حصن خیبر اندازد
عکس تیغش کند چو جلوه‌گری چشم آینه جوهر اندازد

(حزین‌لاهیجی، ۱۳۵۰: ۱۴۴)

۵.۱.۱.۴ علم و دانش

دانایی و معرفت ایمان علی(ع) که جلوه‌گاه اصلی آن را می‌توان در نهج‌البلاغه یافت، از تنوعی چشمگیر برخوردار است و گستره تمام مسائلی را که در برابر انسان قرار دارد، دربرمی‌گیرد. چنانکه پیامبر در وصف علم امیرالمؤمنین گفت: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بِأَبْهَاتِهَا فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۰۰/۴۰) یعنی من شهر علمم و علی در آن شهر است. هر که دنبال علم است، باید از این در وارد شود. همین یک روایت نشانگر علم فراوان امام علی(ع) است چنانکه خود نیز می‌فرماید: «سوگند به خدا، اگر بخواهم می‌توانم هر کدام شما را از آغاز و پایان کارش، و از تمام شئون زندگی، آگاه سازم، اما از آن می‌ترسم که با این‌گونه خبرها نسبت به رسول خدا(ص) کافر شوید» (۱۳۷۹: ۱۹۰).

شاعران دوره صفوی نیز برای بیان میزان علم و دانش امام علی(ع) به این حدیث پیامبر استناد کرده و گاه آن را به صورت تضمین و گاهی به صورت حل و اقتباس یاد کرده‌اند:

اسباب زیورش عمل و دانش است و بس آن را که ترک زیور و اسباب زیور است
خوانده در مدینه علمش همی رسول دولت در آن سری که هواخواه این در است

(فغانی شیرازی، ۱۳۵۳: ۲۱)

اهلی شیرازی نیز با توجه به همین حدیث پیامبر و سخن امام علی(ع) می‌سراید:

معنی قول «علیُّ بأبْهَاتِهَا» آسان‌مندان
کاین سخن را صدجهان معنی به هربابی در است

(اهلی شیرازی ۱۳۴۴: ۵۲۲)

واعظ قزوینی نیز با توجه به این حدیث، در شعری خود را سگ در شهر علم می‌نامد (واعظ قزوینی ۱۳۵۹: ۴۷۶) که بی‌ارتباط با لقب شاه عباس اول صفوی هم نیست.

واکاوی شخصیت امام علی(ع) در شعر دوره صفوی ... (فاطمه تسلیم جهرمی) ۱۳

شاعران دوره صفوی در کنار علم و دانش به درایت، رای و خرد و دوراندیشی امام علی(ع) نیز توجه داشته‌اند:

همان که یوسف رایش چو پرتو اندازد به سینه‌ای که دهد تیرگی به سینه چاه
چنان شود که بر این نیل برکه نصب کنند به دست ششعه فواره‌های نور از آه
(طالب‌آملی، ۱۳۴۶: ۹۴)

۲.۴ شخصیت امام علی(ع) به عنوان دال

۱.۲.۴ ذکر نام و نسب

تقریباً در تمام اغلب مدایح و مناقب علوی در دوره صفوی، نام و نسب امام علی(ع) آمده است. در کنار نام و نسب، شاعران این دوره، شاعران به مشهورترین این لقب‌ها یعنی: مرتضی، اسدالله، حیدر، فاتح خیبر، صفدر، ولی‌الله، یعسوب دین، شیرخدا، یدالله، ساقی کوثر، حیدر کرار، خواجه قنبر و... و کنیه‌های مشهور چون ابوالحسن، ابوتراب و... نیز اشاره کرده‌اند. مثلاً محتشم کاشانی اغلب این القاب را در قصیده منقبتی خود آورده است:

سرور فرخ‌رخ عادل دل دلدل‌سوار
قسور جنگ‌آور از در در لیث‌انتقام
حیدر صفدر که در رزم از تن شیر فلک
جان برآرد چون برآرد تیغ خونریز از نیام
ساقی کوثر که تا ساقی نگردد در بهشت
انییا را ز آب کوثر نخواهد گشت کام
فاتح خیبر که گر بودی زمین را حلقه‌ای
در زمان کندی و افکندی درین فیروزه بام
خواجه قنبر که هندوی کمیتش ماه را
خوانده چون کیوان غلام خویش بدرش کرده نام

(محتشم کاشانی، ۱۳۸۹: ۲۴۷)

وحشی بافقی نیز به لقب «یعسوب دین» از امام اشاره کرده است (وحشی بافقی، ۱۳۸۰: ۱۷۴). لقب «شیر خدا» و «شاه مردان» برای حضرت علی (ع) فقط یک لقب شیعی نیست، بیدل سنی مذهب نیز در قصاید خود به آن اشاره کرده است (بیدل، ۱۳۴۴: ۸۱/۲). توصیفاتی چون شاه‌دل‌سوار، ساقی کوثر، صاحب ذوالفقار و شاه نجف از توصیفات عامیانه آن حضرت است که در شعر این دوره به کرات آمده است.

از اهل بیت بودن، اهل کساء بودن، همسر زهرای اظهر بودن، پسرعموی پیامبر، پدر حسنین و ابوالثمه، از دیگر ویژگی‌های نسبی امام علی (ع) است که در شعر دوره صفویه به کرات درباره آن سخن گفته شده است. صائب تبریزی نیز به پسرعمو و داماد پیامبر بودن امام علی (ع) و جایگاه ایشان در نزد خداوند اشاره می‌کند (صائب، ۱۳۸۹: ۱۳۶۳).

هم از سرایت این نور آل‌زهرا را نبی زیر عبا با علی، آورده
به عرس فاطمه و مرتضی نثار، ملک درخت‌های جنان حله‌ها برآورده

(نظیری‌نیشابوری، ۱۳۴۰: ۴۹۱-۴۹۲)

۲.۲.۴ ولادت در خانه خدا

به دنیا آمدن امیرمؤمنان، علی (ع) در درون خانه خدا فضیلتی است که محدثان شیعه آن را در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند و برخی اهل تسنن نیز به آن اشاره کرده‌اند. مسعودی نویسد: «در کعبه زاده شد» (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۲)؛ (شیخ مفید، ۱۳۷۶، ج ۱: ۲)؛ (حلبی، ۱۴۲۵، ج ۱: ۱۳۹). در دیوان سیدحمیری به تحقیق شاکر هادی شکر نیز قطعه‌ای دیده می‌شود (سیدحمیری، ۱۳۹۳: ۱۵۵) که از آن دریافت می‌شود که واقعه ولادت امام علی (ع) در کعبه در آغاز سده چهارم مسلم دانسته می‌شده و اگر این ابیات واقعاً متعلق سیدحمیری باشد، واقعه ولادت امام علی (ع) در کعبه در سده‌های قبل نیز شهرت داشته است.

شاعران دوره صفویه نیز ضمن اعتقاد به این واقعه، به ارتباط امام علی (ع) با کعبه در اشعارشان اشاره کرده‌اند. مثلاً صائب در قصیده‌ای در وصف کعبه سروده است، به میلاد امام علی (ع) در کعبه اشاره و با مدح و تخلص امیرالمؤمنین ختم می‌کند:

هیچ تعریفی تو را زین به نمی دانم که شد در تو پیدا گوهر پاک امیرالمؤمنین
چون لباس کعبه بر اندام بت زبینه نیست جز تو بر شخص دگر نام امیرالمؤمنین

واکاوی شخصیت امام علی(ع) در شعر دوره صفوی ... (فاطمه تسلیم جهرمی) ۱۵

(صائب، ۱۳۸۹: ۱۳۶۴)

بیدل نیز در این باره چنین سروده است:

به کعبه پیش از آن کاین ذات اقدس در وجود آید

عقیقه جز ذبیحُ الله نپسندند، قربانش

(بیدل، ۱۳۴۴: ۸۱/۲)

شاعران این دوره معتقدند که رمز و راز ولادت علی(ع) در درون خانه خدا این است که قلب خانه خدا و توحید را ولایت و امامت علی تشکیل می دهد.

در شعر دوره صفوی در کنار ولادت امام علی(ع) در کعبه، به معجزاتی که به احترام امام و مادرش فاطمه بنت اسد انجام می گیرد؛ چون شکافته شدن دیوار خانه خدا و به هم آمدن آن، ماندن چهار روز در درون خانه، پاک بودن نوزاد از آلودگی زایمان، استفاده مادر امام از غذای بهشتی و... اشاره می شود و شاعران با بیان این وقایع سعی دارند فضیلت و والایی امام علی(ع) و مادرش را برای مخاطبان اثبات کنند.

۳.۲.۴ سطوح تحلیل شخصیت

هامون درباره سطوح توصیف و تحلیل شخصیت معتقد است: «علاوه بر آنکه شخصیت را به عنوان مدلول می توان اعتبار کرد، آن را علامتی چندپاره و غیرمتصل نیز می توان دانست که می توان آن را به صورت تکه تکه یا مرکب توصیف کرد که این اقدام، سطوح وصف شخصیت نامیده می شود» (هامون، ۱۹۹۰: ۲۵).

در توصیف و تحلیل شخصیت امام علی(ع) در شعر دوره صفوی، هم بُعد شاعران و هم بُعد شخصیت امام شایسته توجه است و در محورهایی چون التزام به مدح شایسته امام توسط شاعران، تولا و تبرا و تضمین و تلمیح به گفتار دیگران و حوادث زندگی امام، توسل و... آمده است و جنبه هایی از شخصیت امام را آشکار می کند.

۱.۳.۲.۴ التزام شعرا به مدح شایسته امام

با اینکه شاعران بسیاری در طول تاریخ زبان و ادب فارسی زبان و بیان شاعرانه خود را به کار گرفته اند تا از بزرگی امام علی(ع) بسرایند، اما از سعدی و ناصر خسرو و

سنایی گرفته تا شاعران دوره صفوی بارها به کوتاه بودن زبان خود در توصیف شایسته امام علی (ع) اعتراف کرده‌اند. شعرای دوره صفوی نیز خود را به توصیف شایسته امام علی (ع) در اشعارشان خود را ملزم می‌دانستند، اما اذعان می‌کنند قافیه در فضایل ابوالفضایل تنگ، انبوه واژه‌ها در مدح و منقبت او نارسا و صفحات تاریخ با همه گستردگی‌اش در وصف او محدودند.

برخی از این شاعران نیز به این موضوع اشاره کرده‌اند که مدح امام موجب زیب و زینت اشعار ایشان است. در اغلب مناقب علوی، شاعر اقرار می‌کند که در وصف امام علی (ع) زبانش قاصر و بیانش الکن است؛ اما امید دارد که به واسطه این مدایح، اشعارش صاحب رونقی شود:

من کجا و مدحت معجز کلامی همچو تو خاصه با این شعر بی‌پرگار و نظم بی‌نظام
سویت این ابیات سست آورده و شرمندهام ز آنکه معلوم است نزد جوهری قدر رخام
لیک می‌خواهم به یمن مدحتت پیدا شود در کلام محتشم ای شاه گردون احتشام

(محتشم کاشانی، ۱۳۸۹: ۲۴۳)

گاهی شاعرانی چون بیدل نیز می‌گویند شعرشان در شأن امام نیست و شأن امام علی (ع) را بالاتر از این می‌دانند که مداحی چون شاعر داشته باشد (بیدل، ۱۳۴۴: ج ۱۲/۲). البته گاهی نیز شاعران، سرودن مدایح علوی را هدیه‌ای الهی می‌دانند و در شعر به این امر مفاخره می‌کنند (طالب‌آملی، ۱۳۴۶: ۹۶)

۲.۳.۲.۴ تولا

از نظر شاعران دوره صفوی امام معصوم، واسطه فیض الهی، قطب عالم وجود و نگهدارنده کائنات به اذن خدا است. در این راستا، محبت و ولایت علی (ع) مریی همه موجودات، هدایتگر آنان به سوی کمال و سبب دوام و قوام تمامی پدیده‌ها از جماد تا انسان است. پیامبر خدا (ص) در این رابطه می‌فرماید محبت علی (ع) اگر از روی صدق و راستی باشد، مانع ارتکاب گناه می‌شود (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹/۴۰۱). شاعران دوره صفویه می‌گویند محبت به علی (ع) از آنجا مانع از گناه است که امیرالمؤمنین نمونه کامل اخلاق، عبودیت، انسانیت و طاعت است:

واکاوی شخصیت امام علی(ع) در شعر دوره صفوی ... (فاطمه تسلیم جهرمی) ۱۷

لب تشنگان بادیۀ اشتیاق را مهرش به سوی چشمۀ تحقیق رهبر است
از تاب آفتاب قیامت چه اضطراب آن را که سایه اسدالله بر سر است

(فغانی، ۱۳۵۳: ۲۱)

میررضی دانش مشهدی درباره عشق و علاقه به امام می گوید اگر کسی با عشق
امام علی(ع) به خاک رود، همیشه از خاکش بوی خوش گل می آید:

بوی گل محبتش از گل نمی رود در هر زمین که خاک شود استخوان ما

(دانش مشهدی، ۱۳۷۸: ۲۷)

فغانی شیرازی نیز مهر علی را چون گوگرد احمر نشانگر ذات سالکان راه
حقیقت می داند:

بهر عیار بوته گدازان کوی فقر مهر علی و آل چو گوگرد احمر است

(فغانی، ۱۳۵۳: ۲۱)

۳.۳.۲.۴ تیراً

یکی از ابعاد شایسته توجه شعر مذهبی و به ویژه شعر علوی در دوره صفویه، لعن و
نفرین و سب دشمنان اهل بیت و به ویژه امیرالمؤمنین است. به نظر می رسد در گذشته این
اعلام نفرت توسط گروه حق و جویای حقیقت موجب روشنگری، بیداری و توجه دادن به
ابعاد سیاسی اجتماعی دین بوده است. با توجه با این موضوع، شاعران دوره صفوی نیز در
مدایح خود، ضمن اعلام برائت و بیزاری از دشمنان امام علی(ع) و اهل بیت، دشمنان را به
دلیل ظلم و ستم و تزییع حقوق امامان سب و لعنت می کنند:

در جگرگاه دشمنانت باد دم تیغ تو در جگرخائی

(حزین لاهیجی، ۱۳۵۰: ۱۶۱)

فیض کاشانی نیز که به دلیل تحصیلات حوزوی به بنیادهای تشیع آگاهی داشته در
این باره به وجه مهم دیگری چون غصب حق ولایت امیرالمؤمنین اشاره می کند و می گوید:

وه که بیگانگان چه ها کردند چون نبودند آشنای علی

آن جماعت که حق او بردند سعی کردند در جفای علی
خاصه آل بوآلده واهی عدو مایه محنت و بلای علی
باد لعنت بر او و یارانش دم به دم به قدر ارتقای علی

(فیض کاشانی، ۱۳۷۱: ۴۲۳)

حزین لاهیجی نیز قلم خود را چون شمشیر برآن بر سر دشمنان امام علی(ع) می‌داند و می‌گوید:

بر تارک خصم شاه مردان این خامه، پلارکی است برآن

(حزین لاهیجی، ۱۳۵۰: ۵۸۹)

۴.۳.۲.۴ تضمین و تلمیح به احادیث و روایات

شاعران این دوره نزدیک به تمام وقایع مربوط به امام علی(ع) و روایات و احادیث علوی را به صورت تلمیح یا تضمین در اشعار خود یاد کرده‌اند. شاعران صفوی به آیات و احادیثی که مورد استناد شیعه در ارتباط با اهل بیت(ع) است بیشتر پرداخته‌اند، مثلاً حدیث منزلت، آیه ولایت، حدیث کساء، حدیث باب علم، حدیث ثقلین، آیه انفاق هل اُتی، آیه تطهیر، آیه اکمال دین، همچنین به برخی داستان‌ها مربوط سیره آن حضرت چون: واقعه غدیر خم، در بستر خوابیدن امام علی(ع) به جای پیامبر، شجاعت و قدرت امام در فتح خیبر و جنگ‌های بدر و احد و حنین و رزم با مرحب و احادیث متعدد پیامبر درباره آن حضرت و اذکار ادعیه شیعه و احادیث قدسی و... می‌توان اشاره کرد. شاعران این دوره هم‌چنین به برخی احادیث منقول از امام علی(ع) چون حدیث «لَوْ كُثِفَ» و «سَلَوْنِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي» نیز توجه دارند.

مثلاً حدیث مشهور «شهر علم» که بخشی از آن در دعای ندبه نیز آمده، حاوی نکات فروانی است و اهلی شیرازی با توجه به این نکته چنین سروده است:

معنی قول «علیُّ بائها» آسان‌مدان

کاین سخن را صد جهان معنی به هر بابی در است

(اهلی شیرازی ۱۳۴۴: ۵۲۲)

واکاوی شخصیت امام علی(ع) در شعر دوره صفوی ... (فاطمه تسلیم جهرمی) ۱۹

از دیگر ادعیه مورد توجه شاعران صفوی در مدایح خود، توجه به دعای نادعلی که است که به روایتی به پیامبر روز احد ندا شد: «نَادِ عَلِيًّا مَظْهَرَ الْعَجَائِبِ تَجِدُهُ عُونًا لَكَ فِي النَّوَائِبِ كُلِّ غَمٍّ وَ هَمٍّ سَيُنْجِلِي بَوْلَايَتِكَ يَا عَلِيُّ...» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۳/۲۰) اهلی شیرازی نیز قسمت نخست این دعای مشهور را تضمین می‌کند و سرّ الهی را در آن پنهان می‌بیند:

سرّ سبحانی که پنهان است در نادعلی

هم به معنی مظهرش او، هم به معنی مظهر است

(اهلی شیرازی ۱۳۴۴: ۵۲۰)

از دیگر احادیثی که شاعران دوره صفویه در اشعارشان به آن توجه می‌کنند، حدیث منزلت است که از احادیث مشهور نبوی و مورد قبول عالمان شیعه و سنی است. حدیث منزلت روایتی است که جایگاه امام علی(ع) را نسبت به پیامبر اکرم، همانند جایگاه هارون نسبت به حضرت موسی معرفی می‌کند. عالمان شیعه به این حدیث برای اثبات جانشینی حضرت علی(ع) پس از پیامبر و نیز برتری موقعیت ایشان بر دیگر اصحاب استدلال می‌کنند. در چندین جای چون جنگ تبوک، موقع عقد اخوت و هنگام معراج نقل شده که پیامبر خطاب به امام علی(ع) فرموده است: «یا علی! گوشت تو گوشت من و جسم تو جسم من است» (صدوق، ۱۳۶۹: ۳۳۲). اهلی شیرازی با توجه به این واقعه، چنین سروده است:

لَحْمُكَ لَحْمِي بَدَانٍ وَ جِسْمُكَ جِسْمِي بَخْوَانٍ تا بدانی ذات حیدر از کدامین جوهر است

(اهلی شیرازی ۱۳۴۴: ۵۲۱)

یا در باب اینکه موقع فتح مکه، امام علی(ع) پا بر دوش پیامبر گذاشت و خانه کعبه را از آلودگی بتان پاک کرد یا لیلۃ المبیت؛ شبی که مشرکان قصد کشتن پیامبر را داشتند و امام علی(ع) شجاعانه در بستر به جای ایشان خوابید، شاعران دوره صفوی اشعار فراوانی سروده‌اند و آن را نشان از امامت و ولایت مولای متقیان شمرده‌اند:

پا به دوش مصطفی بهر شکست بت نهاد
پایه قدرش نگر کز هر دو عالم برتر است
در شب جان باختن بر جای احمد تکیه کرد
ز آنکه جای مصطفی هم مرتضی را درخور است

(اهلی شیرازی ۱۳۴۴: ۵۲۱)

لامع قهستانی نیز با توجه به احادیث منزلت، سخن امام علی(ع) درباره علم خود که فرمود: «لَوْ كَشَفَ الْغِطَاءَ مَا أَرَدَدْتُ يَقِينًا» (آمدی، ۱۴۰۳: ج ۱۰/۵) و آیات سوره انسان به دلیل بخشش اهل بیت، امام را قائم مقام پیامبر می‌نامد:

مقبول «أَنْتَ مَنِّي» و ممدوح «هل آتی» قائل به قول «لَوْ كَشَفَ» و دافع مضار
زوج بتول و ابن عم حضرت رسول قائم مقام احمد و محمود کردگار

(لامع قهستانی به نقل از احمدی بیرجندی، ۱۳۷۹: ۵۴)

اشاره به واقعه مشهور غدیر خم و شبکه تداعی معانی‌ها از توجه به معنای غدیر به معنای آبگیر و خم به معنای خمره و اینکه امام ساقی حوض کوثر است نیز در شعر بسیاری از شاعران این عهد آمده است:

نشکند باده گلرنگ خماری که مراست ساقیا جرعه ده از میکده خم غدیر
دلم از ساقی کوثر شده سرمست شراب دابه زان پیش که شوید لب و کامم از شیر

(حزین لاهیجی، ۱۳۵۰: ۱۵۱)

با توجه به اندیشه انسان کامل و نقش وی در هستی، شاعران پارسی‌گو پیوسته حضرت علی(ع) را رحمت الهی بر خلائق دانسته‌اند و با بهره‌گیری از صفت ساقی کوثر یکی از مهم‌ترین جلوه‌های رحمت و لطف مولای متقیان را رقم زده‌اند:

ساقی کوثر که تا ساقی نگردد در بهشت انبیا را ز آب کوثر تر نخواهد گشت کام

(محتشم کاشانی، ۱۳۸۹: ۲۴۳)

واکاوی شخصیت امام علی(ع) در شعر دوره صفوی ... (فاطمه تسلیم جهرمی) ۲۱

و نیز واقعه بخشیدن انگشتر در نماز به سائل که در شأن آن آیه ولایت بر پیامبر نازل شد: «أَنَا وَلِيُّكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده: ۵۵) که محتشم کاشانی در مدیحه‌ای آن را آورده است (۱۳۸۹: ۴۰۱)

۵.۳.۲.۴ زهد و دین‌داری

امام علی(ع) در زهد و عبادت، دینداری و راز و نیاز با خداوند نیز همچون سایر ویژگی‌های خود، منحصر به فرد و یگانه بودند. القابی چون *أزهد الزاهدين* یعنی بی‌رغبت‌ترین فرد به دنیا، امام المتقين، شجرة التقوا، و أروع المبين به معنی زاهدترین و روشنگر فضائل و کمالات هم به دلیل زهد و پارسایی و تقوای بی‌نظیر امام به ایشان داده شد.

سیرت امام(ع) در زندگی بر همگان ثابت کرد که کلام او با گفتارش همسویی کامل دارد. او در طول عمر شصت و سه ساله خود اثبات کرد که دنیای دوزخ ارزش داشتن را ندارد، صفتی که دوست و دشمن بدان اعتراف دارند چنانکه از عمر بن عبدالعزیز روایت شده است که گفت: «زاهدترین مردم دنیا علی بن ابی طالب بود» (العقاد، بی‌تا: ۸۴) امام علی در خطبه ۳ *نهج البلاغه* نیز می‌گوید: اگر به سویم نمی‌شتافتند می‌دیدید که دنیای شما را به چیزی نمی‌شمارم و حکومت را به اندازه عطسه بزی ارزش نمی‌گذارم (۱۳۷۹: ۱۲).

از همین روست که زهد، ورع و دینداری امام علی(ع) بازتاب بسیار گسترده‌ای در شعر علوی دوره صفویه یافته است و مثلاً محتشم کاشانی در وصف دینداری و زهد امام می‌گوید:

از تقدّم در امور مؤمنان نعم‌الامیر وز تقدّس در صلوات قدسیان نعم‌الامام
پشت عصیان را به دیوار عطایش اعتماد دست طاعت را به دامان قبولش اعتصام

(محتشم کاشانی، ۱۳۸۹: ۲۴۳)

عرفی شیرازی نیز در قصیده ترجمه الشوق می‌گوید:

ز بس به عهد تو لاغر شد از ریاضت زهد گرفت پهلوی ناهید شکل موسیقار

(عرفی شیرازی، ۱۳۶۹: ۳۷)

حزین لاهیجی با اغراقی شاعرانه، گرد دامان پارسایی امام را باعث پراندن مستی از چشم نرگس عبهر می‌داند:

گرد دامان پارسایی او مستی از چشم عبهر اندازد

(حزین لاهیجی، ۱۳۵۰: ۱۴۱)

هم‌چنین شاعران این دوره با بیانی شاعرانه اشاره می‌کنند حضرت علی(ع) در تمام عرصه‌های زندگی، مظهر کمال عبودیت الهی است تا آنجا که برای شکوه از دردهای خویش و راز و نیاز و مناجات با حضرت حق و پنهان‌ساختن آن، شب و دل چاه را برگزیده است.

۶.۳.۲.۴ امامت و ولایت

طبق روایات، اساسی‌ترین شرط توحید، امامت و ولایت ائمه و ولایت امامان معصوم است، مخصوصاً امیرمؤمنان است. چنانکه در حدیث سلسله الذهب و ده‌ها حدیث دیگر به آن تصریح شده است که کلمه توحید، دژ نفوذناپذیر الهی است، به شرطی که ولایت و امامت امامان در کنار آن باشد.

امامت و ولایت حضرت علی(ع) در اسلام به شیوه‌های مختلف اثبات شده که مهم‌ترین آن نزول آیه اکمال دین و بیان صریح پیامبر در واقعه غدیر است. نزول آیه اکمال دین (مائده: ۳) در غدیر، اهمیت و عظمت نصب امامت را می‌رساند که در تکمیل دین الهی، نقطه‌ای برجسته به شمار است. با اینکه این واقعه، یکی از وقایع مهم تاریخی اسلام است و آیات اکمال دین میان جمع کثیری از مسلمانان نازل شد و اعلان امامت از طرف رسول خدا(ص) پس از اقرارگرفتن از مردم صورت گرفت و اکثر راویان غدیر از مردم بودند؛ اما عده‌ای درباره آیات مربوط به فضائل و مناقب علی(ع) به حاشیه رفتند.

با توجه به رسمی شدن مذهب شیعه در ایران، شاعران مجال یافتند برای نخستین بار عقاید مذهب شیعه را به صورت روشن بیان کنند. آنان برای نشان‌دادن شایستگی امام علی(ع) به سیره آن امام در یاری پیامبر در جنگ‌ها و لیلۃ المبیت، کاتب وحی بودن و ملازمت و نسبت خانوادگی با پیامبر استناد کردند و با دفاع از واقعه غدیر، برای عید غدیر نیز مانند اعیاد قربان، فطر و بعثت، قصاید مدحی آفریدند. مثلاً واعظ قزوینی ساقی‌نامه خود را به نام ساقی کوثر امام علی(ع) کند:

واکاوی شخصیت امام علی(ع) در شعر دوره صفوی ... (فاطمه تسلیم جهرمی) ۲۳

از این می که مجلس برآراستم ولای علی ولی خواستم
تو را باد یا ربّ به حیّ قدیر مبارک چو هر عید، عید غدیر

(شرف‌جهان قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۴۸)

شاعران این دوره همچنین اشاره می‌کنند که حضرت علی(ع) علاوه بر اطاعت کامل از نبی مکرم اسلام همواره از سر ایثار و فداکاری در خدمت پسرعم خود بودند؛ چه در عرصه‌های بحرانی قبل از هجرت نظیر: خوابیدن در بستر نبی اسلام در شب هجرت ایشان و چه در عرصه‌های جهادی نظیر جنگ خندق، بدر و احد که از جنگ‌های سرنوشت‌ساز مسلمانان بود. هنگامی که بر اثر نافرمانی سپاه جبهه اسلام شکست خورد و عده‌ای پا به فرار گذاشتند، تنها علی(ع) بود که با عده‌ای اندک و گاه به تنهایی حافظ جان رسول خدا(ص) بودند. همچنین کلام رسول خدا در جنگ خندق درباره مولای متقیان که فرمود «ضربه علی(ع) در جنگ خندق بالاتر از عبادت دو عالم است» (مفید، ۱۴۰۳: ۵۷۹). این حدیث علاوه بر تعریف جایگاه ولایی امام، نشانگر مراتب احترام و محبت پیامبر به امام علی(ع) نیز است. جنگی که به تعبیر روایات تمامی کفر با تمامی ایمان روبه‌رو شد. واقعه لیلۃ‌المبیت نیز به باور شاعران این دوره دلیل دیگری برای شایستگی خلافت برای امام(ع) است؛ زیرا آن هنگام که قریشیان برای جان پیامبر توطئه کرده بودند تنها امام علی(ع) بود که خطرها را به جان خرید و برای نجات جان رسول خدا(ص) در بسترش آرمید.

از این روست که شاعر بزرگ آیینی این دوره، محتشم کاشانی به‌صراحت، به امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی(ع) از سوی پیامبر اشاره می‌کند و او را نایب و جانشین پیامبر طبق نصّ قرآن می‌خواند:

السلام ای نایب پیغمبر آخر زمان مقتدای اولین و پیشوای آخرین
ملک دین را پادشاه از نصب سلطان رسل مصطفی را جانشین از نصّ قرآن مبین

(محتشم کاشانی، ۱۳۸۹: ۳۹۵)

همچنین حدیث منزلت که پیامبر درباره امام علی(ع) فرمود: «هذا علی بن ابی طالب لحمه لحمی و دمه دمی، فهو منی بمنزلة هارون من موسی الا انه لانی بعدی» (صدوق، ۱۳۶۹: ۳۳۲) که با توجه به این حدیث شاعران عهد صفوی اشعار بسیاری سروده‌اند:

فراز منبر یوم‌الغدیر این رمز است که سر از جیب محمد، علی برآورده
حدیث «لحمک، لحمی» بیان این معنی است که بر لسان مبارک پیامبر آورده
(نظیری نیشابوری، ۱۳۴۰: ۴۹۲)

اهلی شیرازی نیز به امام علی(ع) القابی چون شاه ولایت و شاهنشاه بحر لافتی می‌دهد
و با اشاره به نسبت به وی با پیامبر می‌گوید:

آن شهنشاهی که بحر لافتی را گوهر است شحنه دشت نجف شاه ولایت حیدر است
ذات پاک مرتضی را با کسی نسبت مکن که این آب حیات از چشمه‌سار دیگر است
(اهلی شیرازی ۱۳۴۴: ۵۲۰)

۷.۳.۲.۴ شفاعت و توسل

توسل و شفاعت از دیگر مختصات شعر علوی در عهد صفوی است که تقریباً در تمامی این اشعار به آن توجه می‌شود و برخی شاعران در توسل خود، قصاید مطمئن و سنگینی در مدح امام علی(ع) پرداخته‌اند. البته توسل و شفاعت هر دو از مناسک و معتقدات مسلمانان به‌ویژه شیعیان به حساب می‌آیند؛ اما در مدایح علوی این عصر در میان شعرای سنی مذهب نیز موضوع توسل دیده می‌شود. از این رو می‌توان گفت برجسته‌ترین بُعد مدایح رضوی در شعر عهد صفوی، موضوع شفاعت و توسل است.

شفاعت خواهی و اظهار حاجت حتی در بُعد خواسته‌های دنیوی از دیگر ویژگی‌های مدایح علوی در عهد صفوی است و تقریباً در شعر تمام شاعرانی که مدایح و مناقب مذهبی دارند، دیده می‌شود:

بنده اهل بیت شد، اهلی از آن همیشه است روی نیاز بر زمین، دست امید بر دعا...
(اهلی شیرازی ۱۳۴۴: ۴۲۲)

حتی دانشمندی چون شیخ بهایی نیز در میان قصیده‌ای در مدح امام علی(ع) از ایشان درخواست عفو و مغفرت نزد خداوند و شفاعت در روز حشر دارد:

در حشر به فریاد بهایی برس از لطف کز عمر نشد حاصل او غیر خسارت
(شیخ بهایی، ۱۳۸۹: ۶۰)

واکاوی شخصیت امام علی(ع) در شعر دوره صفوی ... (فاطمه تسلیم جهرمی) ۲۵

در بحث شفاعت نگرش شاعران دوره صفوی برداشت عامیانه و قرائت خامی از این باور شیعی است و می‌پندارند که امام علی(ع) ذی نفوذ در دستگاه خداوندی است و می‌تواند اراده خداوند تغییر و قانون الهی را نقض کند و با کسب خشنودی امام می‌توان به شفاعت وی دست یافت و گناهان را تبدیل به ثواب کرد. چنانکه طغرای مشهدی می‌گوید اگر امام علی(ع) در حشر کافران را شفاعت کند، جحیم و آتش تبدیل به جنان و گل ارغوان خواهد شد (تالپور، ۱۳۸۲: ۲۰۳).

۸.۳.۲.۴ تجلیل زیارت و زائران مرقد امام علی(ع)

یکی دیگر از نکات که اگرچه کنش رفتاری مردم است، اما بیانگر تعظیم مردم به شخصیت امام علی(ع) است، تجلیل زیارت و زائران مرقد امام علی(ع) است. برای زیارت حرم علوی و زائران آن فضایل بسیاری از ائمه نقل شده است که در آن‌ها گفته شده زیارت امیرمؤمنان زمینه بهره‌مندی از رحمت الهی را فراهم می‌آورد (سیدرضی، ۱۴۰۶: ۴۰). از جمله دو حدیث از امام صادق(ع) که در یکی فضیلت و ثواب زائر حرم علوی را ثبت صدهزار حسنه و برآوردن شدن یکصد هزار حاجت، پاک‌شدن یکصد هزار گناه بیان می‌کند و در حدیث دیگری می‌فرماید: «کسی که امیرمؤمنان(ع) را با پای پیاده زیارت کند، خداوند برای هر قدمی یک حج و یک عمره بنویسد؛ پس اگر با پای پیاده هم بازگردد، برای هر قدمی دو حج و دو عمره خواهد نوشت» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰۰/۲۶۰).

یکی از ویژگی‌های اصلی شعر علوی در این دوره، نگاه عارفانه و فرامادی به صحن و بارگاه امام علی(ع) است. شاعر امام علی(ع) را را فرمانروی افلاکیان می‌داند و عظمت آسمان، زمین و کائنات در برابر گنبد و حرم، ایوان و به‌طور کلی ساحت آن حضرت ناچیز می‌بیند. این نوع دیدگاه به ویژه در قصاید عرفی شیرازی دیده می‌شود.

شاعران عهد صفوی با این نوع نگاه، گاهی به بیان احادیث نقل شده درباره فضیلت زیارت امام(ع) می‌پردازند:

ارض مقدس نجف از طیب خلق او چون خاک کعبه آب رخ هفت کشور است

(فغانی، ۱۳۵۳: ۲۱)

شیخ بهایی با توجه به احادیث منقول درباره شرافت بارگاه امام علی(ع) به مدح این بارگاه می‌پردازد و آن را محل رفت‌وآمد فرشتگان می‌داند و می‌گوید این جایگاه به اندازه‌ای

باشکوه و پرابهت است که فرشتگان از فرط مهابت با یکدیگر با زبان اشاره سخن می‌گویند و گرد خاک قدم‌های زائران از فرط شرف حتی فرق شاهی چون فریدون را حقیر می‌انگارد:

ای خاک درت سرمه ارباب بصارت	در تأدیة مدح تو خم پشت عبارت
گرد قدم زایرت از غایت رفعت	بر فرق فریدون ننشیند ز حقارت
در روضه تو خیل ملایک ز مهابت	گویند به هم مطلب خود را به اشارت
هر صبح که روح‌القدس آید به طواف	در چشمه خورشید کند غسل زیارت

(شیخ بهایی، ۱۳۸۹: ۶۰)

محتشم، بارگاه و وجود مبارک امام علی(ع) را به منزله مرواریدی می‌بیند که گردون صدف آن است (محتشم‌کاشانی، ۱۳۸۹: ۴۰۴). حتی برخی شاعران این عهد مدتی مقیم نجف‌اشرف بوده‌اند یا مثل دانش‌مشهدی در اشعار خود اشتیاق به مجاورت در حرم آن حضرت را ذکر کرده‌اند (دانش‌مشهدی، ۱۳۷۸: ۲۶).

۵. نتیجه‌گیری

فیلیپ هامون الگویی برای تحلیل شخصیت‌های ادبی بر مبنای چهار اصل انواع شخصیت، دال، مدلول و سطوح شخصیت ارائه داده که از آن برای تشریح شخصیت‌های مختلف در آثار ادبی می‌توان بهره برد. از مصادیق این الگو تحلیل شخصیت امام علی(ع) در شعر دوره صفوی است.

ویژگی‌های فردی، اخلاقی و اجتماعی حضرت علی(ع)، پرورش او در دامان پیامبر اکرم(ص)، تولد در کعبه، همسر حضرت فاطمه(س) و جد ائمه بودن و... آن حضرت را در اندیشه ایرانیان به مرتبه قهرمانی بی‌مثال رسانده است به گونه‌ای که بسیاری از شاعران آن حضرت را نمونه انسان کامل و قهرمان دینی خود شمرده‌اند.

در بخش انواع شخصیت، امام علی(ع) به عنوان شخصیتی مرجعی از نوع دینی و مذهبی در شعر این دوره مطرح شده و در بعد دال به ذکر نام، نسب و القاب علوی، ولادت در کعبه و تلمیح به سیره و تضمین احادیث و روایات درباره امام علی(ع) در شعر دوره صفوی توجه شده است. در بعد مدلول در این اشعار، ذکر مکارم و ویژگی‌های

واکاوی شخصیت امام علی(ع) در شعر دوره صفوی ... (فاطمه تسلیم جهرمی) ۲۷

شخصیتی امام علی(ع) مثل: شجاعت، علم، ولایت، سخاوت، عدل، مهربانی و... پرداخته شده است. در بعد تحلیل شخصیت نیز به ویژگی‌های چون: شفاعت و توسل، تولا، تبرا، فضایل زیارت و زائران حرم علوی، شرافت و تقدس مرقد و حرم علوی، امامت و ولایت امام علی(ع) توجه شده است.

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: اسوه.
- نهج البلاغه (۱۳۷۹)، ترجمه محمد بهشتی، چ هشتم، تهران: تابان؛ شهریور.
- آقابزرگ طهرانی، محمد محسن. (۱۳۱۳). *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، ۲۶ جلد، نجف: مطبعه الغری.
- آمدی تمیمی، عبدالواحد. (۱۴۱۰ق)، *غرر الحکم و درر الکلم*، به تصحیح مهدی رجایی، قم: دارالکتاب اسلامی.
- احمدی بیرجندی، احمد. (۱۳۶۵)، *مناقب علوی در شعر فارسی*، آستان قدس رضوی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- اسداللهی، خدا بخش؛ فتحی، زهرا. (۱۴۰۰)، «بینامتنیت در سیمای علی(ع) در شعر سنایی و ناصر خسرو»، پژوهشنامه علوی، ش ۲۳، صص ۲۳-۳.
- ابن ابی الحدید، عزالدین ابی حامد. (۱۴۲۵ق)، *شرح نهج البلاغه*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- اهلی شیرازی، محمد بن یوسف. (۱۳۴۴)، *کلیات اشعار مولانا اهلی شیرازی*، به کوشش حامد ربانی، تهران: سنایی.
- اسیر شهرستانی، جلال‌الدین بن میرزا. (۱۳۸۴)، *دیوان غزلیات اسیر شهرستانی*، مصحح غلامحسین شریفی ولدانی، تهران: میراث مکتوب.
- باباغانی شیرازی. (۱۳۵۳)، *دیوان اشعار باباغانی شیرازی*، مصحح احمد سهیلی خوانساری، چ دوم، تهران: اقبال.
- بیدل، عبدالقادر. (۱۳۴۴)، *کلیات ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل*، به تصحیح خالد محمد خسته و دیگران، ج ۲، کابل: ریاست دارالتألیف وزارت علوم افغانستان.
- بیگزاده، خلیل؛ مراد مرادی، بایرام؛ نوری، افسانه. (۱۳۹۸)، «بررسی شخصیت علی(ع) در خاوران‌نامه بر اساس نظریه فیلیپ هامون»، دهخدا، دوره ۱۱، شماره ۴۱، صص ۶۹-۹۱.
- ترکمان، اسکندربیک. (۱۳۳۴)، *عالم‌رای عباسی*، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.

تالپور، میرزا حسین علی‌خان. (۱۲۸۲)، نسخه خطی مناقب علوی، حیدرآباد: گنجینه نسخ خطی حاکمان تالپور.

حزین لاهیجی، محمدبن علی. (۱۳۵۰)، دیوان اشعار حزین لاهیجی، با تصحیح، مقابله و مقدمه بیژن ترقی، دو جلد، تهران: انتشارات خیام.

حلبی، علی بن ابراهیم. (۱۴۲۷ق)، السیره الحلبیه: من انسان العیون فی سیره الامین المامون؛ و بهامشا السیره النبویه و الآثار المحمدیه — السید احمد زینی دحلان، بیروت: المكتبة الاسلامیه: دار احیاء التراث العربی.

حمداوی، جمیل، (۲۰۱۰م)، «سیمیا اسم العلم الشخصی فی الروایة العربیة ۲»، صحیفه المثقف، العدد ۱۵۸۱.

دانش مشهدی، میررضی. (۱۳۷۸)، دیوان میررضی دانش مشهدی، مصحح محمد قهرمان، تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات عاشورا.

رضی، سید محمد. (۱۴۰۶ق)، خصائص الأئمة عليهم السلام، مشهد: آستان قدس رضوی.

رضایی اردانی، فضل‌الله؛ هاتفی مجومرد، غلامرضا. (۱۳۹۷)، «سیما و سیره حضرت علی و اهل بیت (ع) در تذکره الاولیای عطار نیشابوری»، پژوهشنامه علوی، ش ۱۷، صص ۱-۱۶.

شرف‌جهان قزوینی، شرف‌الدین. (۱۳۸۳)، کلیات دیوان شرف‌جهان قزوینی، مصحح نقی افشاری، قزوین: انتشارات جدید امروز.

صائب تبریزی، محمدعلی. (۱۳۸۹)، دیوان صائب تبریزی، دو جلد، به اهتمام جهانگیر منصور، انتشارات نگاه، چاپ ششم، تهران.

صرفی، محمدرضا. (۱۳۷۹)، «گونه‌شناسی اوصاف امام علی (ع) در شعر فارسی»، نشریه فرهنگ، شماره ۳۳-۳۶، صص ۲۷۹-۳۰۸.

صدوق، ابوجعفر محمد بن علی. (۱۴۰۳ق)، الخصال، تحقیق، تصحیح و تعلیق: علی‌اکبر غفاری، قم: منشورات جماعة المدرسین.

صدوق، ابوجعفر محمد بن علی. (۱۹۹۰)، الامالی، چاپ پنجم، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات. صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۶)، تاریخ ادبیات در ایران، تهران: فردوس.

عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم. (۱۳۶۱)، علی (ع)، حماسه جاودانه، چ پنجم، قم: دفتر نشر نوید اسلام.

فؤادیان، محمدحسن. (۱۳۸۳)، «مناقب علوی در مثنوی مولوی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تهران، دوره ۵۴-۵۵، شماره ۱۶۸ و ۱۶۹، صص ۲۱-۳۹.

واکاوی شخصیت امام علی(ع) در شعر دوره صفوی ... (فاطمه تسلیم جهرمی) ۲۹

طالب آملی، محمد. (۱۳۴۶)، کلیات اشعار ملک الشعراء طالب آملی، مصحح طاهری شهاب، تهران: انتشارات کتابخانه سنایی.

طغیانی، اسحاق. (۱۳۸۵)، تفکر شیعه در شعر دوره صفویه، تهران: دانشگاه اصفهان؛ فرهنگستان هنر. فیاض لاهیجی، عبدالرزاق. (۱۳۶۹). دیوان اشعار فیاض لاهیجی، به اهتمام و تصحیح ابوالحسن پروین پریشانزاده، تهران: علمی-فرهنگی.

فیض کاشانی، محمد محسن (۱۳۷۱)، دیوان اشعار علامه محمد محسن فیض کاشانی، به کوشش مصطفی فیضی کاشانی، تهران: اسوه.

قزوینی، میرزا عبدالجلیل (۱۳۳۱)، النقص، مصحح سیدجلال الدین محدث، تهران: بی‌نا. کلیم کاشانی (همدانی)، میرزا ابوطالب (۱۳۳۶)، دیوان کلیم کاشانی، مصحح ح. پرتو بیضائی، تهران: کتابفروشی خیام.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، جلد بیستم، چ دوم، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی. محتشم کاشانی، علی بن محمد (۱۳۸۹)، دیوان اشعار محتشم کاشانی، مصحح مصطفی فیض کاشانی، تهران: سوره مهر.

مسعودی، علی بن حسین (۱۳۷۴)، مروج الذهب، ۲ جلد، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.

مفید، محمد بن محمد. (۱۳۷۶)، الارشاد، ترجمه و شرح فارسی محمدباقر ساعدی خراسانی؛ تصحیح محمدباقر بهبودی، تهران: اسلامیة.

ملاابراهیمی، عزت؛ صیادی نژاد، روح الله (۱۳۹۳)، ترجمه، شرح و تحلیل علویات سیدحمیری، تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات.

مهرآوران، محمود؛ شاه‌بلاغی، معصومه. (۱۳۹۷)، «آموزه‌های علوی در دوره نخست شعر فارسی»، پژوهشنامه علوی، ش ۱۷، دوره ۹، صص ۹۹-۱۲۵.

ناصر خسرو قبادیانی، ابو معین (۱۳۸۰)، دیوان اشعار ناصر بن خسرو قبادیانی، به اهتمام نصرالله تقوی؛ مقدمه و شرح حال حسن تقی‌زاده؛ تصحیح مجتبی مینوی؛ تعلیقات علی اکبر دهخدا، تهران: معین.

نصرآبادی، محمد طاهر. (۱۳۷۹)، تذکره نصرآبادی، با ویراستاری احمد مدقق یزدی، یزد: دانشگاه یزد.

نظیری نیشابوری، محمد حسین. (۱۳۴۰)، دیوان اشعار نظیری نیشابوری، مصحح دکتر مظاهر مصفا، تهران: امیرکبیر و زوار.

نقیسی، سعید (۱۳۸۹)، احوال و اشعار فارسی شیخ بهایی، تهران: اقبال.

۳۰ پژوهش‌نامه علوی، سال ۱۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

واعظ قزوینی، محمدرفیع. (۱۳۵۹)، دیوان اشعار واعظ قزوینی، مصحح دکتر سیدحسن سادات‌ناصری، تهران: علی‌اکبر علمی.
هامون، فیلیپ. (۱۹۹۰)، سیمپولوجیه الشخصیات الروائیه، ترجمه سعید بن‌کراد، الرباط، المغرب: دارالکلام.

